

بهره بانکهای دولتی*

سید عباس موسویان**

چکیده

در هر جامعه‌ای از طرفی به علل مختلف بخشی از سرمایه‌های نقدی در دست افرادی قرار دارد که توانایی به‌کارگیری آن را ندارند از طرف دیگر کارفرمایانی وجود دارند که در عین توانایی، سرمایه لازم در اختیار ندارند. بر این اساس، وجود مؤسساتی که بتوانند این دو گروه از افراد جامعه را به هم مرتبط سازند برای به‌کارگیری تمام عوامل تولید و رسیدن به اشتغال کامل و رشد و شکوفایی اقتصادی ضروری است.

بانکها یا بهره‌گیری از تجربیات چند صدساله و با استفاده از شعبات گسترده خود بهترین و روانترین ابزار جهت تحقق این هدف به حساب می‌آیند. لکن اساس کار بانکها*** «نظام بهره» است چه در امر جذب سپرده‌های نقدی و چه در اعطای وام و اعتبار، به اعتقاد

* - این نوشتار نقدی بر مقاله «ربا از گناهان کبیره و استثنا ناپذیر است» نوشته آیه‌ا... معرفت که در شماره سیزده مجله منتشر شده، می‌باشد. و به دفتر فصلنامه ارسال شده است.

** - دبیر گروه اقتصاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی واحد قم.

*** - مقصود بانکهای متداول در دنیاست نه بانکهای ایران که بر اساس قانون بانکداری بدون ربا عمل می‌کنند.

فقه‌های اسلام ربا و حرام است.

از حدود صد سال پیش برخی از اندیشمندان مسلمان به فکر یافتن راه حلی برای پیاده کردن نظام بانکی با حفظ مقررات اسلام افتاده‌اند، تعدادی از اینها به فکر طراحی نظام دیگری برای بانکداری هستند و تعدادی درصدد توجیه و تجویز نوع خاصی از بهره می‌باشند، حضرت آیت‌الله معرفت از جمله این اندیشمندان بوده که چندی است با ارائه مقالات و مصاحبه‌هایی «نظریه استثناء بهره بانکهای دولتی» از ربای محرم را پیشنهاد می‌کنند ایشان در مقام استدلال دلایل زیادی چون «امکان تسری موارد استثناء ربا»، «کارمزد همراه با جبران کاهش ارزش پول»، «مضاربه با سود تضمین شده» و... اقامه کرده‌اند. مقاله حاضر در مقام نقد این نظریه برآمده نشان می‌دهد هیچ یک از این راه‌حلها کافی نیست.

در شماره اخیر فصلنامه «نامه مفید»^{*} مقاله ای تحت عنوان «ربا از گناهان کبیره و استثنا ناپذیر است» از حضرت آیت‌الله محمد هادی معرفت منتشر شد که تا حد زیادی نگرانیهای به وجود آمده از مصاحبه قبلی ایشان^{**} را برطرف کرد ولی در عین حال نکات مبهم و قابل مناقشه ای خصوصاً در قسمت پایانی آن وجود دارد.

ایشان بعد از تبیین موارد استثنای ربا و بیان وجه آن در مقام تسری برآمده، مطالبی بیان می‌کنند که اساس نظریه ایشان را تشکیل می‌دهد. از باب حفظ امانت ابتدا مطالب مذکور را نقل کرده به بررسی آنها می‌پردازیم.

«... از همین جا است که می‌توانیم پی ببریم، برخی سودهای بانکی، که سرمایه آن از بیت‌المال است و به همه مسلمانان منطقه تعلق دارد، از نوع ربای حرام، که حرمت آن در کتاب و سنت قطعی است، بیرون می‌باشد.

بانک، یک نهاد اقتصادی است، که ضرورت اجتماعی، تأسیس آن را ایجاب کرده، و در جهت چرخش حرکت اقتصادی در کشور، فعالیت دارد. اساساً برای سود گرفتن یا سود دادن، به وجود نیامده، و این سود دهی و سود ستانی یک امر تبعی است که از لوازم آن به شمار می‌رود. ولی کار اساسی آن، فعالیت در جهت سامان دادن به اقتصاد کشور است. کسانی که سرمایه‌های خود را در بانک می‌سپارند، بانک با سرمایه‌های آنها کار

* - نامه مفید، فصلنامه دانشگاه مفید، شماره ۱۳، بهار ۱۳۷۷، ص ۴۹-۳۱.
** - روزنامه اطلاعات، مورخ ۱۳۷۵/۱۱/۲۷ و ۱۳۷۵/۱۲/۴ صفحه معارف اسلامی.

می‌کند، و سهم حساب شده و تضمین شده‌ای را، به آنان می‌پردازد. و در باب مضاربه، عامل می‌تواند، سهم مالک را - طبق عرف روز - تضمین کند، و در آخر کار اگر سود بیشتری باشد، نیز منظور دارد. و سودی که بانک می‌گیرد، بیشتر به دستمزد نزدیکتر است، و حساب تورم و تنزل ارزش پول، مخصوصاً در دراز مدت، منظور گردیده، و در بانک مسکن اساساً بیع شرط انجام می‌گیرد. بنابراین نمی‌توان بانکهای دولتی را، نهاد استثماری به حساب آورد، و اساساً برای سودگیری یا سوددهی به وجود نیامده، و یک ضرورت اجتماعی به شمار می‌رود، که با این سیستم قابل تداوم است، و می‌تواند در جهت سامان دادن به اقتصاد کشور فعالیت داشته باشد. از این رو، نمی‌توان سود بانکی را - البته بانکهای دولتی که سرمایه آن از بیت‌المال است - به حساب ربای محرم در آورد، زیرا هیچ یک از مفاسد ربا، که لازم مساوی ربا یاد شده اند در این مورد، وجود ندارد و همانند ربای در خانواده است، که اساساً ربا نیست.^۱

بایستی برای بررسی دقیق این مطالب ابتدا تاریخچه مختصری از نحوه شکل‌گیری بانکها، اهداف بانکداران، جایگاه بانک در اقتصاد و انواع بانکهای موجود در دنیا را توضیح دهیم سپس به بررسی مباحث مورد نظر بپردازیم.

شکل‌گیری بانکها

کتابهای پول و بانکداری^۲ شروع فعالیت‌های بانکی را چند هزار سال قبل از میلاد و از معابد روم، یونان، بابل و چین می‌دانند. شرایط حاکم در آن زمان، جنگ و ستیزهای دایمی بین ایالات و شهرهای مستقل با یکدیگر و با دول خارجی و فراهم نبودن امنیت کافی موجب می‌گردید همه مردم (حتی آنان که اعتقادات مذهبی نداشتند) معبد را مطمئن‌ترین محل برای نگهداری و حفاظت اموال گرانبها و پرارزش خود بدانند به طوری که در شهرهای پرجمعیت قسمتی از معابد به این کار اختصاص پیدا می‌کرد. ابتدا معابد در مقابل هدایایی که صاحبان اموال به معبد می‌پرداختند از اشیای قیمتی محافظت می‌کردند. بعدها کارمزد مشخصی بر حسب ارزش اموال از صاحبان آنها می‌گرفتند، مدت زمانی طول نکشید صاحبان معبد نخست به انگیزه خیرخواهی، سپس برای کسب درآمد اموال ذخیره شده را به نیازمندان و تجار قرض داده و بهره می‌گرفتند. برای مثال در معابد بابل (دو هزار سال قبل از

۱- نامه مفید، ش ۱۳، ص ۴۸.

۲- ر.ک به: اقتصاد پول و بانکداری دکتر توتونچیان، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، ۱۳۷۵ و اصول بانکداری، دکتر صدقی، دانشگاه تهران ۱۳۵۵.

میلاد) طبق مقررات رسمی، اموال سپرده شده به معبد، با بیست درصد بهره سالانه به متقاضیان وام داده می‌شد و علاوه بر آن معادل $\frac{1}{3}$ ارزش سپرده‌ها نیز به عنوان کارمزد حفاظت و نگهداری از صاحبان آنها گرفته می‌شد.

سود قابل توجه معابد از این فعالیتها کم کم رقابت افراد را با معبد بر انگیخت و با وجود مشکلات عدیده ای که ابتدا در جلب توجه و اعتماد عامه وجود داشت، مؤسسات خصوصی شبیه بانکهای امروزی شروع به کار نمودند این مؤسسات سپرده افراد را جذب کرده رسید می‌دادند، در اثر اعتماد مردم کم کم این رسیده‌ها به جای پول بین مردم دست به دست می‌شد و گاهی بعد از مدت زمان طولانی برای تبدیل به پول به مؤسسه مزبور برگردانده می‌شد، این امر باعث شد که آنان دریافتند همیشه قسمت مهمی از سپرده‌ها به صورت را کد باقی می‌ماند که می‌توان با قرض دادن آن، سود قابل توجهی بدست آورد. بعد از اندک زمانی کشف کردند می‌توان وامهای اعطایی را به وسیله همان رسیده‌ها که مقبولیت عمومی پیدا کرده بپردازند و این مسأله تحول مهمی در بانکداری به وجود آورد. اولاً: زمینه پیدایش پولهای کاغذی و اعتباری را فراهم نمود. ثانیاً: بانکها را قادر به خلق پول در جامعه کرد و آرزویی که قرنهای کیمیاگران انتظارش را می‌کشیدند تا روزی مس را تبدیل به طلا کنند آنان بانوک قلم کاغذ را تبدیل به طلا و پول طلایی کردند.

بعدها بانکها توانستند فعالیتهای خود را از قرض دادن اموال خود و سپرده‌های دیگران به خدمات بیشتر بانکی از قبیل نقل و انتقال وجوه در داخل و خارج، ایجاد اعتبارات اسنادی و برخی خدمات حسابهای جاری گسترش دهند.

با نفوذ مسیحیت در کشورهای اروپایی و تسلط کلیسا بر امور جامعه، به دلیل سخت گیریهای شدید مقامات کلیسا در مقابل ربا و بهره، حرفه صرافیه و بانکداری تا حدود زیادی از رونق افتاد و تنها یهودیان که بر اساس تعالیم یهود گرفتن بهره از غیر یهود را مجاز می‌دانستند، گردانندگان اصلی چنین مؤسساتی بودند و این وضع کم و بیش تا قرن شانزدهم میلادی در اروپا ادامه داشت. در آن قرن تضعیف کلیسا از یک سو، رونق تجارت و بازرگانی که احتیاج به سرمایه زیادی دارد از سوی دیگر صاحبان کلیسا را بر آن داشت که تفسیر جدیدی از ربا در تعالیم حضرت مسیح ارایه دهند و زمینه را برای الغای رسمی قانون ممنوعیت بهره از قوانین مدنی کشورهای اروپایی فراهم نمایند. بعد از آن تاریخ شاهد شکل گیری بانکهای سازمان یافته و بزرگی در اروپا و بعدها در کشورهای دیگر هستیم و امروزه بانکها از بزرگترین مؤسسات اقتصادی کشورها به شمار می‌روند و فعالیت بانکی از پرمصرفترین فعالیتهای اقتصادی عصر حاضر است، به طوری که امروزه بانکهایی چون بانک «آوا آمریکا»، «میتسوبیشی ژاپن» و «بارکلی بریتانیا» با استخدام بیش از یک صد و هشتاد هزار کارمند و

جذب منابع عظیم مالی سودها و ثروتهای چند میلیارد دلاری دارند، به طوری که سود هر یک از آنها با درآمد کل چند کشور جهان سومی برابری می‌کند.^۱

اهداف بانکداران

چنانچه روشن شد مؤسسات بانکی از همان آغاز به منظور کسب سود شکل گرفتند و با همان انگیزه کارشان را ادامه دادند، امروزه نیز از بالاترین مؤسسات اقتصادی از جهت سوددهی به حساب می‌آیند، لذا در تمام کشورهای جهان تقاضای تأسیس مؤسسات پولی خصوصاً بانک، رقم قابل توجهی را نشان می‌دهد. در ایران نیز با رؤیت اولین نشانه‌های پس‌انداز مردمی ناشی از درآمدهای نفتی مؤسسات پولی و بانکی متعددی شکل گرفتند به طوری که در فاصله ۱۳۵۷-۱۳۳۷ بانکهای گوناگون داخلی و خارجی در تهران و شهرهای بزرگ ظاهر شدند.^۲

جایگاه بانکها در اقتصاد

مهمترین نقش بانکها و مؤسسات پولی در راستای ضرورت اجتماعی - اقتصادی، تجهیز پس اندازهای سرگردان و غیر کارا و سوق دادن آنها به فعالیتهای مفید و مولد اقتصادی است. به این ترتیب بانکها سهم عمده‌ای در رشد و شکوفایی جوامع دارند، لکن این بدان معنی نیست که انگیزه تأسیس کنندگان آنها و نحوه فعالیتشان برای سود نباشد. یکی از نقاط خلط استاد معرفت این است که گمان می‌کنند هر مؤسسه اقتصادی که در جهت تأمین ضرورت اجتماعی شکل گیرد، هدف آن کسب سود نخواهد بود. در حالی که واقعیت جامعه نشان می‌دهد پرمنفعت‌ترین مشاغل همین مشاغلند. اصولاً در نظام سرمایه داری هر چه نیاز و ضرورت فعلیتی بیشتر باشد درجه سوددهی آن بالاتر خواهد بود و به همین خاطر امروزه مؤسساتی چون بانکها، بیمه‌ها، ارتباطات بالاترین سودها را برای سهامدارانشان به ارمغان می‌آورند.

نکته مهمتر در مورد بانکها اینکه اگر بانکها به فکر سوددهی برای صاحبان سپرده نباشند، اصلاً نمی‌توانند نقش اقتصادی خود (سوق دادن پس اندازهای را کد به سمت سرمایه‌های مولد) را ایفا کنند چون غالب سپرده‌گذاران به انگیزه رسیدن به سود و بهره بانکی سپرده گذاری می‌کنند و اگر بانک نتواند این خواسته را برآورده کند، سطح سپرده‌ها بشدت کاهش می‌یابد. پس یک بانک موفق نه تنها به

۱- راکفلرها، ویلیام هوفمن، ترجمه سندگل، انتشارات محراب.

۲- اقتصاد پول و بانکداری، توتونچیان، ص ۲۳۳-۲۳۷.

فکر سود هست بلکه باید چنین هم باشد.

انواع بانکها (بانکهای تجاری)

در تصور ذهنی بانکها را از حیث مدیریت و تشکیل سرمایه به سه گروه کلی می‌توان تقسیم کرد:

۱- بانکهای خصوصی

سرمایه و منابع اصلی این بانکها را غالباً سپرده‌های مردمی شکل می‌دهد، به این صورت که مردم با سپرده‌گذاری منابع مالی عظیمی برای بانک فراهم می‌کنند. بانک آنها را در اختیار صاحبکاران اقتصادی قرار می‌دهد تا در فعالیتهای اقتصادی به کار گیرند. شکل حقوقی این بانکها در دنیا، چه در طرف جذب سپرده‌ها و چه در طرف اعطای تسهیلات بر اساس «نظام بهره» است، یعنی بانک منابع خود را به صورت قرض با بهره در اختیار صاحب کار اقتصادی قرار می‌دهد و در موعد مقرر با قطع نظر از موفقیت یا عدم موفقیت فعالیت مذکور اصل و فرع وام را وصول می‌کند، سپس بخشی از بهره‌های دریافتی را به صاحبان سپرده می‌پردازد و مابقی که در حقیقت اختلاف بهره دریافتی و پرداختی است سود بانک را تشکیل می‌دهد.

۲- بانکهای با مدیریت دولتی

شکل دیگری از بانکهای مرسوم در دنیا بانکهای با مدیریت دولتی است. در این بانکها نیز منابع عمده و اصلی بانک از طریق سپرده‌های مردم شکل می‌گیرد و از جهت نوع کار و روابط حقوقی هیچ تفاوتی با بانکهای خصوصی ندارند، یعنی منابع مالی را در اختیار صاحبکاران اقتصادی قرار داده، بهره می‌گیرند، سپس بخشی از آن را به سپرده‌گذاران داده و مابقی را به عنوان سود بانک به خزانه دولت واریز می‌کنند. هدف از تشکیل چنین بانکهایی در برخی کشورها جلوگیری از اجحاف بانکهای خصوصی در دریافت و پرداخت بهره بانکی است به این معنی که بانکهای خصوصی برای رسیدن به سود بیشتر معمولاً بهره بالاتر از صاحبکاران اقتصادی می‌گیرند و از طرف دیگر بهره کمتری به سپرده‌گذاران می‌دهند، برای رفع این مشکل در برخی کشورها بانکهای با مدیریت دولتی شکل گرفت. در عین حال باید توجه داشت که بهره پرداختی این بانکها به سپرده‌گذاران نباید کمتر از مؤسسات رقیب باشد و الا در اندک زمانی مردم سپرده‌های خود را از این بانکها خارج کرده به سمت بانکهای خصوصی، مؤسسات پولی غیر بانکی، بازار غیر رسمی پولی، بانکهای خارج از کشور برده و یا اقدام به خرید و احتکار کالاهای ضروری خواهند کرد.

۳- بانکهای با سرمایه دولتی

نوع سومی از بانکها که می‌توان تصور کرد این است که بانکی با سرمایه و منابع مالی دولت (بیت المال) تشکیل شود و با اعطای آن به صاحبکاران اقتصادی نیاز مالی فعالیتهای اقتصادی افراد و بخش خصوصی را فراهم کند.

این نوع بانکها که ظاهراً استاد معرفت در صدد تجویز بهره بانکی آنهاست، گذشته از مشکل ربا که بعداً توضیح می‌دهیم، چند اشکال اساسی دارد (البته احتمال این هم می‌رود که مقصودشان بانکهای با مدیریت دولتی باشد که بعداً بررسی می‌کنیم).

اولاً: چنین بانکی تصویری بیش نیست، امروزه در این جهان پهناور با انواعی از نظامهای اقتصادی، هیچ کشوری پیدا نمی‌شود که دولت آن سرمایه‌های خود را به بانکی بسپارد تا به صورت وام و اعتبار در اختیار بخش خصوصی قرار گیرد، بلکه جریان بر عکس است، در غالب کشورها دولت‌ها برای اجرای پروژه‌های زیربنایی و طرحهای بزرگ اقتصادی به انحای مختلف پس‌اندازهای مردم (بخش خصوصی) را جذب می‌کنند و گاهی به آن نیز اکتفا نکرده متوسل به استقراض خارجی می‌شوند، برای مثال یکی از انتقاداتی که بر دولت جمهوری اسلامی ایران می‌کنند این است که از یک سو شعار خصوصی سازی می‌دهد و از سوی دیگر با استفاده از اعتبارات بانکی بخش عظیمی از سرمایه‌های بخش خصوصی را به سمت فعالیتهای اقتصادی دولت سوق می‌دهد. پس با این اوضاع و شرایط بانکی که استاد در صدد تجویز بهره‌اش هستند، تنها در اذهان خواهد بود.

ثانیاً: چنین بانکی بر فرض هم روزی شکل بگیرد، توان تحقق آن ضرورت اجتماعی - اقتصادی که از بانکها انتظار می‌رود (تجهیز پس‌اندازهای سرگردان و تبدیل آنها به سرمایه‌های مفید و مولد اقتصادی) را ندارد، چون در چنین بانکی جایی برای سپرده‌های مردم نیست و به همین لحاظ اصطلاحاً به چنین مؤسسه‌ای نمی‌توان اسم بانک نهاد. اگر مقصود استاد بانکهای نوع دوم باشد گفتیم ماهیت معاملات آنها همانند بانکهای خصوصی است با این تفاوت که چون خیلی به فکر سود خود بانک نیستند احتمالاً یک یا دو درصد از متقاضیان وام کمتر بهره خواهند گرفت (چون تفاوت بهره دریافتی و پرداختی در بانکهای خصوصی بندرت از سه درصد بیشتر می‌شود) اما بهره پرداختی به سپرده‌گذاران نمی‌تواند کمتر باشد و گرنه بانک منابع مردمی خود را از دست می‌دهد.

به هر تقدیر به بررسی مستندات استاد می‌پردازیم، ایشان برای تجویز بهره بانکهای دولتی چند دلیل آورده اند که مهمترین آنها مسأله (تسری موارد استثناء ربا) به ربای بین دولت و مردم است علاوه بر آن دلایل دیگری نیز مورد تمسک قرار گرفته که در حد مقاله به آنها می‌پردازیم.

امکان تسری موارد استثناء ربا

استاد بعد از توضیح علت استثنای مواردی از ربای محرم همچون ربا بین پدر و فرزند، ربا بین زوج و زوجه مبنی بر اینکه: «ربا در صورتی تحقق می‌یابد که طرف مورد معامله - که سود بر آن اضافه می‌شود یا سود از آن برداشت می‌شود - در اختیار و تصرف تو نباشد. در زندگی خانوادگی، مخصوصاً در گذشته، هر چه داشتند در اختیار همه بوده و همگی در زندگی جمعی شریک بوده‌اند. از این رو سودی که به یکی از افراد خانواده داده شود یا از او گرفته شود از محیط خانوادگی بیرون نرفته، عاید همگی می‌گردد و در حقیقت در اختیار همه است و از این کیسه، یا از این جیب به جیب دیگر انتقال می‌یابد.»^۱ نتیجه می‌گیرند که «این تعلیل موارد استثنای یاد شده را تخصصاً از حرمت ربا خارج می‌سازد نه تخصیصاً، زیرا ربا در صورتی است که این سود را دیگری ببرد و از حیطة تصرف سود دهنده خارج گردد و تمامی مفاسد ربا بر همین نوع ربا بار است.»^۲ سپس در مقام تسری بر آمده می‌گویند: «از این رو، نمی‌توان سود بانکی را - البته بانکهای دولتی که سرمایه آن از بیت‌المال است - به حساب ربای محرم درآورد، زیرا هیچ یک از مفاسد ربا که لازم مساوی ربا یاد شده اند در این مورد وجود ندارد و همانند ربای در خانواده است که اساساً ربا نیست.»^۳

ایشان مناط تسری را عدم وجود مفاسد ربا در این فرض می‌دانند بنابراین لازم است ابتدا وجود یا عدم وجود مفاسد ربا در معاملات چنین بانکی بررسی شود.

یکی از مفاسد مهم ربا این است که در تأمین سرمایه بر اساس آن، صاحبکار اقتصادی (تاجر یا تولید کننده) با قطع نظر از عملکرد فعالیت اقتصادی متعهد به بازپرداخت اصل و فرع وام بانکی است که باعث به وجود آمدن متغیری «برون زا» در اقتصاد شده، درآمدی خارج از عملکرد بخش حقیقی اقتصاد شکل می‌گیرد که خود آثار سوئی چون تورم، ناعادلانه شدن توزیع درآمدها و پیدا شدن دوره‌های رونق و رکود را به دنبال دارد، علاوه بر این موجب می‌شود فرصت اندیشه و تفکر صحیح از صاحبکار اقتصادی سلب شود که خود استاد در این باره می‌گوید:

«... رباخواری سلامت جامعه را بر هم می‌زند و توازن اقتصادی کشور را درهم می‌کوبد، رباخوار فرصت اندیشه و عمل را از صاحبکار اقتصادی می‌گیرد، وی پیوسته در این اندیشه است که هر چه زودتر سود کلان رباخوار را فراهم سازد تا برایش درد سر فراهم نسازد، لذا با اندیشه ای آزاد عمل نمی‌شود و به هر کاری دست می‌زند و چه بسا

۱- نامه مفید، ش ۱۳، ص ۴۷.

۲- همان.

۳- همان، ص ۴۸.

فکر نکرده به کارهای کم درآمد از روی عجله و شتاب دست بزنند و از این رو هستی خود را از دست بدهد مخصوصاً افراد ضعیف و نو پا که با دستپاچگی و برای حفظ حیثیت و آبرو احیاناً به کارهایی روی می آورند که چندان سودآور نیست و چون سود ثابت و مقررری باید بپردازد چه بسا از سرمایه که در دست دارند بپردازند و رفته رفته خود را به نابودی بکشانند و هستی خود را تباه سازند.^۱

این مفاسدی که اسلام به خاطر آنها را حرام کرده در تمام انواع بانکهایی که از سیستم ربا و بهره تبعیت می کنند وجود دارد، یعنی بانکها اعم از اینکه دولتی باشند یا خصوصی و اعم از اینکه سرمایه آنها از سپرده های مردم تشکیل شود یا از بیت المال تا موقعی که بر اساس نظام بهره عمل کنند، مفاسد ربا را به دنبال خواهند داشت، یعنی تا زمانی که منابع مالی را به عنوان وام و اعتبار در اختیار تاجر و تولید کننده می گذارند و با قطع نظر از عملکرد وی اصل و فرع وام را مطالبه می کنند همه آن مفاسد تحقق خواهد یافت، به عبارت روشنتر در نظام بهره تنها فرقی که بین بانک خصوصی و دولتی می توان قائل شد تفاوت در نرخهای بهره است. انتظار می رود نرخ بهره بانکهای دولتی چند درصدی کمتر باشد اما از این جهت که یک تولید کننده یا تاجر با قطع نظر از عملکرد خود متعهد به بازپرداخت اصل و فرع وام می شود همه یکسانند و در حقیقت همین ماهیت است که موجب شده کسب درآمد از طریق ربا ظلم و اکل مال به باطل حساب شده، به طور مطلق ممنوع گردد و الا خداوند می توانست نرخهای بهره کم را حلال و نرخهای بهره زیاد را ربا و حرام اعلام کند.

بنابراین راه رهایی از مفاسد ربا کاهش نرخ بهره از طریق دولتی کردن بانکها نیست، بلکه تنها راه نجات الغای نظام بهره و مشارکت دادن صاحب سرمایه و بانک در فعالیت اقتصادی و گرفتن سودی مناسب با عملکرد بنگاه است، در این صورت نه در روابط فردی و نه در سطح کل جامعه، درآمدی خارج از اقتصاد حقیقی شکل نمی گیرد و آثار سوء آن را نیز به دنبال ندارد.

نتیجه اینکه مناط استاد در تسری (نبود مفاسد ربا در بهره بانک مذکور) مخدوش است، علاوه بر این از جهت موازین فقهی نیز قول به تسری دچار اشکالاتی است، برای توضیح بیشتر لازم است کل صحیحه ای که مستند ایشان است نقل کنیم:

عن ابی جعفر ۷ قال: لیس بین الرجل و ولده و بینه و بین عبده و لا بین اهله ربا، انما الربا فیما بینک و بین مالا تملک، قلت: فالمشرکون بینی و بینهم ربا؟ قال: نعم، قلت:

۱. همان، ص ۳۲.

فانهم ممالیک، فقال: انک لست تملکهم انما تملکهم مع غیرک، انت و غیرک فیهم سواء، فالذی بینک و بینهم لیس من ذلک لان عبدک لیس مثل عبدک و عبد غیرک.^۱
ایشان می‌گویند:

«ما در جمله انما الربا فیما بینک و بین مالا تملک، ما موصوله است و مقصود از آن مال طرف معامله است و مقصود شخص نیست تا مربوط به «عبد» گردد و لذا این تعلیل عام است برای هر سه مورد استثناء آورده شده»^۲.

در جواب می‌گوییم:

اولاً: با توجه به سیاق قبل و بعد از تعلیل مذکور، مراد از «ما» در آن جمله شخص می‌باشد نه مال، چیزی که استاد را به عدول از این وحدت سیاق و ادا کرده، این است که دیده اند اگر جمله مذکور را بر معنای حقیقی حمل کنند با مصادیق وارده در خود روایت سازگار نیست چون انسان مالک زن و فرزند خود نمی‌باشد، در حالی که اگر «ما» را به معنی مال هم بگیریم باز اشکال باقی است، چرا که انسان مالک اموال زن و فرزند خود نمی‌باشد. لذا در روایات صحیحی چون صحیح ابن حمزه و ابن سنان تنها در شرایط خاصی به پدر اجازه داده می‌شود که در اموال فرزندش تصرف کند، بنابراین هیچ وجهی برای دست برداشتن از ظهور روایت نمی‌ماند.

ثانیاً، با قطع نظر از اینکه «ما» به معنی شخص باشد یا مال، برای سازگاری تعلیل مذکور با مصادیق وارده در روایت و از باب جمع بین این روایت با روایاتی دیگر چون صحیح ابن حمزه^۳ و ابن سنان^۴ که پدر را مالک اموال فرزند نمی‌داند (و همه فقها نیز چنین معتقدند) لازم است جمله «انما الربا فیما بینک و بین مالا تملک» را همانند حدیث «انت و مالک لایبک»^۵ به معنایی غیر از معنای مالکیت حقوقی و شرعی حمل کنیم و آن معنا همانا مالکیت تسامحی عرفی است، یعنی عرف بین مولی و عبد، بین زوج و زوجه و بین پدر و فرزند رابطه دقیق مالکیتی که در بین دیگران هست را لحاظ نمی‌کند. لذا برای هر یک تا حد خاصی اذن تصرف در اموال دیگری می‌دهد کما اینکه این تساهل و تسامح از نظر شرع نیز پذیرفته است^۶... این در حالی است که عرف به هیچ وجه چنین تساهل و

۱- وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، کتابفروشی اسلامی، سال ۱۳۷۶، ج ۱۲، ص ۴۲۶، باب ۷، حدیث ۳.

۲- نامه مفید، ش ۱۳، ص ۴۷.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۹۵، باب ۷۸، حدیث ۲.

۴- همان، حدیث ۳.

۵- همان، حدیث ۷.

۶- این جمع را می‌توان از صحیح ابن حمزه استفاده کرد. عن ابی حمزة الشمالی عن ابی جعفر ۷: ان رسول الله قال لرجل: انت و مالک لایبک، ثم قال ابو جعفر ۷: ما احب ان یأخذ من مال ابنه الا ما احتاج الیه مما لاید منه ان الله لا یحب الفساد.

تسامحی را بین اموال مردم و دولت اسلامی نمی‌بیند بلکه بر عکس سیرهٔ مسلمین بر این بوده که نسبت به اموال بیت‌المال بیش از حد اموال شخصی حساس بوده و حریم قایل می‌شدند. کما اینکه در طرف مقابل مطابق روایات وارده، پیامبر ۶ و ائمه اطهار: پیوسته عاملین خمس، زکات و خراج را سفارش می‌کردند مبادا مبلغی به ناحق از اموال مردم وارد بیت‌المال شود.

ثالثاً: در ذیل صحیحه تعلیل دیگری وارد شده که نسبت به تعلیل اول خاص است و تسری آن به دولت روشنتر است، به این بیان که وقتی امام ۷ آن تعلیل عام را بیان کردند راوی می‌پرسد: پس بین من و مشرکین ربا نیست؟ امام می‌فرماید: ربا هست. راوی می‌گوید: آنان مملوک هستند. امام می‌فرماید: تو بتنهایی مالک آنها نیستی بلکه همراه بقیهٔ مسلمین مالک آنهايي. بعد در یک تعلیل خاص می‌فرماید: کسی (یا مالی) که تو و دیگران مشترکاً مالک هستی از مواردی نیست که ربا نباشد. بر فرض که این استدلال استاد را بپذیریم که همانند اموال پدر و فرزند یا زوج و زوجه بین اموال دولت و ملت نیز رابطهٔ ملکیتی نیست، باز نمی‌توان به نتیجه مورد نظر ایشان رسید چرا که رابطه هر فرد با اموال دولت همانند رابطهٔ هر فرد مسلمان با اموال مشرک است، یعنی او به همراه دیگر مسلمانان مالک اموال دولت است بنابراین مطابق تعلیل خاص صحیحه، ربای بین دولت و ملت ربا و حرام خواهد بود.

به جهت همین اشکالات است که علمای اهل سنت با اینکه قائل به حجیت قیاس و استحسان هستند نتوانسته اند قائل به تسری شوند، پس چگونه می‌توان تسری را از مذهبی انتظار داشت که مدام شعار می‌دادند و می‌دهند: «لیس من مذهبنا القیاس».

ایشان در کلام دیگری دلیل دیگری بر تسری آورده می‌گویند:

«برخی سودهای بانکی که سرمایه آن از بیت‌المال است و به همه مسلمانان منطقه تعلق دارد از نوع ربای حرام که حرمت آن در کتاب و سنت قطعی است، بیرون می‌باشد»^۱

این دلیل نیز ناتمام است چون اولاً: گفتیم از جهت مفاسد ربا هیچ فرقی بین این نوع بانک با انواع دیگر نیست، ثانیاً: اگر صرف تعلق مال به بیت‌المال و عموم مسلمانان موجب خروج آن از حکم حرمت گردد بایستی دزدی از اموال افراد به نفع بیت‌المال نیز حلال شود چون به همهٔ مردم تعلق دارد. مستندات دیگری که در کلام استاد معرفت آمده، وجه دلالتشان بر مدعا روشن نیست، امید

است در مقالات بعدی تبیین گردد، در هر صورت مطابق فهم خود نکاتی را بیان می‌کنیم.

تضمین سود مضاربه

استاد در بخشی از مقاله می‌فرماید:

«کسانی سرمایه‌های خود را در بانک می‌سپارند و بانک با سرمایه‌های آنها کار می‌کند و سهم حساب شده و تضمین شده ای را به آنها می‌پردازد، در باب مضاربه می‌دانیم که عامل می‌تواند سهم مالک را - طبق عرف روز - تضمین کند و در آخر کار اگر سود بیشتری باشد آن را نیز منظور دارد.»^۱

در جواب از این گفته، می‌گوئیم: اولاً، اگر این روش صحیح باشد اختصاصی به بانک دولتی ندارد بانکهای خصوصی نیز می‌توانند از این روش استفاده کنند. ثانیاً، تا جایی که از مراجعه به روایات و کتب فقهی بدست می‌آید همه، خلاف آن می‌باشند، مرحوم سید یزدی در عروة الوثقی در شرایط صحت عقد مضاربه می‌گوید:

«الخامس ان يكون الربح مشاعاً بينهما فلو جعل لا أحدهما مقداراً معيناً و البقية لآخر او البقية مشتركة بينهما لم يصح» یعنی: لازم است سود مضاربه به صورت مشاع برای طرفین باشد، پس اگر مقدار معینی برای یکی از طرفین قرارداد شده و بقیه از آن دیگری باشد یا بقیه بین طرفین تقسیم شود صحیح نخواهد بود.

فقهایی که حاشیه بر عروه دارند این فتوای سید را خصوصاً در جایی که احتمال ضرر یا کم بودن سود از آن مبلغ معین وجود دارد به اتفاق قبول دارند.

جالب این است که این حرف استاد با کلامشان در قسمت اول همین مقاله ناسازگار است، آنجا که ایشان بعد از بیان ماهیت و مفاسد ربا در مقام توضیح و بیان برتری عقد مضاربه بر آمده می‌گویند:

«... در صورتی که در مضاربه سود ثابتی مقرر نگردیده و صرفاً سهم مشاع در آمد را باید بپردازد و اگر زبانی به سرمایه وارد آمد از کیسه کارفرما [صاحب سرمایه] رفته است لذا خاطر کارگر [عامل] کاملاً آسوده است و با خیال راحت و اندیشه ای آزاد بهترین و شایسته ترین کارها را انتخاب می‌کند.»^۲

علاوه بر این اگر بنا شود عامل (صاحبکار اقتصادی) سود مضاربه را تضمین نماید هیچ فرقی با ماهیت ربا نخواهد داشت و تمام مفاسدی که خود استاد برای ربا شمرده اند تحقق پیدا می‌کند.

در روایت نیز از حضرت امیرالمؤمنین ۷ وارد شده که فرمودند:

«من ضمن تاجراً فلیس له الا رأس ماله و لیس له من الربح شیء»^۱ یعنی: اگر صاحب سرمایه کاری کند (شرط کند) که عامل، اصل سرمایه را تضمین کند تنها اصل سرمایه را می‌گیرد و از سود سهمی ندارد.

مطابق روایت تضمین اصل سرمایه (تا چه رسد به تضمین سود معین) موجب تبدیل عقد مضاربه به عقد قرض می‌شود و صاحب سرمایه هیچ سهمی در سود نخواهد داشت.

و به همین مضمون است روایت دیگری از امام صادق ۷ که صاحب وسائل در ابواب مضاربه نقل کرده است.^۲

کارمزد همراه با جبران کاهش ارزش پول

استاد در بخشی از مطالب خویش می‌فرماید: «سودی که بانک می‌گیرد بیشتر به دستمزد نزدیکتر است و حساب تورم و تنزل ارزش پول، مخصوصاً در دراز مدت منظور گردیده، یعنی بهره ای که بانکهای دولتی از متقاضی وام می‌گیرد در حقیقت ترکیبی است از: درصدی به عنوان کارمزد بانکی و درصدی برای جبران کاهش ارزش پول، به عنوان مثال کسی که مبلغ یک میلیون تومان از بانک دولتی وام یک ساله می‌گیرد، اگر نرخ تورم در این کشور بیست درصد و نرخ کارمزد بانکی به طور متوسط دو درصد باشد بانک حق دارد آخر سال یک میلیون و دو بیست هزار تومان از وی بگیرد، در این صورت بانک تنها ارزش سرمایه اش را حفظ کرده است و منفعتی دریافت نکرده و مرتکب ربا نیز نشده است.

در جواب این مطلب می‌گوییم:

اولاً، این روش اختصاص به بانک دولتی ندارد. اگر از نظر فقهی گرفتن درصدی به عنوان کارمزد و درصدی برای جبران کاهش ارزش پول در اثر تورم را از مصادیق ربا ندانیم، همانطور که بانکهای دولتی می‌توانند از این روش استفاده کنند بانکهای خصوصی نیز می‌توانند از آن استفاده کنند، یعنی بانک مرکزی با ابزارهایی که در اختیار دارد نرخ بهره وامهای بانکی را در آن سطح تعیین و تثبیت می‌کند تا همه بانکها اعم از دولتی و خصوصی بر اساس نرخ مذکور (که ترکیبی از نرخ کارمزد و نرخ تورم است) به متقاضیان وام و اعتبار دهند.

ثانیاً، اگر چه مطابق فتاوی فقه‌گرفتن کارمزد حقیقی در قبال اعطای وام بانکی از مصادیق ربا

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۱۸۶، باب ۴، حدیث ۱. ۲- همان، ص ۱۸۹، باب ۹، حدیث ۱.

نیست، اما مسأله ربا بودن یا نبودن جبران کاهش ارزش پول (ناشی از تورم) نیاز به بحث دارد، خصوصاً با توجه به اینکه اکثر مراجع همچون حضرت امام خمینی^۱ آن را با صراحت ربا می‌دانند.^۱

بیع شرط

استاد در بخش دیگری می‌فرماید: «در بانک مسکن اساساً بیع شرط انجام می‌گیرد»^۲ این قسمت از عبارت مبهم‌ترین بخش مقاله است ظاهراً نظر ایشان به کیفیت اعطای تسهیلات بانکی در بانکهای مسکن بانکداری بدون ربا جمهوری اسلامی ایران است که در آن معمولاً به یکی از دو صورت زیر عمل می‌شود: کسی که زمین یا ساختمان نیمه‌کاره‌ای دارد دوبرای ساخت یا تکمیل آن به بانک مراجعه می‌کند.

الف - بانک یا به نحو مشارکت با وی وارد معامله می‌شود یعنی با او شریک شده هزینه ساخت یا تکمیل را می‌پردازد و در نهایت سهم خود را به صورت فروش اقساطی به وی می‌فروشد.

ب - یا اینکه بانک زمین یا ساختمان نیمه تمام را خریداری و آن را می‌سازد بعد از پایان کار، ساختمان مذکور را مطابق عقد «اجاره به شرط تملیک» در اختیار صاحب اول آن قرار می‌دهد به طوری که اگر وی در طول مدت اجاره مطابق قرار داد عمل کند در پایان، ساختمان مذکور به ملکیت وی در می‌آید.

اگر مقصود استاد این باشد، اولاً، این مسأله هیچ ارتباطی به بهره بانکی ندارد و اصلاً ربا و بهره‌ای در کار نیست بلکه دو معامله حقیقی در طول هم انجام گرفته و چه بسا برای صاحب سرمایه سودی به همراه داشته و این ماهیتاً با ربا متفاوت است و اصولاً مقصود روایات نیز که دارد ربا حرام شده تا مردم به تجارات و معاملات حقیقی روی آورند»^۳

همین است. کما اینکه مقصود محققین اقتصاد اسلامی نیز همین است که بانکها نه تنها در بخش مسکن بلکه در تمامی بخشها به جای اعطای وام و گرفتن بهره به سمت معاملات حقیقی سودمند روی آورند.

ثانیاً، این روش نیز همانند روشهای سابق به بانکهای دولتی - بانکهایی که سرمایه آنها از بیت‌المال است - اختصاص ندارد و همه بانکها اعم از خصوصی، با مدیریت دولتی و با سرمایه دولتی می‌توانند از آن استفاده کنند.

۱ - استفتائات جدید امام خمینی، ج ۲، ص ۲۹۱-۲۹۰، چاپ جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۲ - نامه مفید، ش ۱۳، ص ۴۸.

۳ - این مضمون روایات متعددی است که از ائمه اطهار: در بیان علت و حکمت تحریم ربا وارد شده، مراجعه شود به وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۲۳ تا ۴۲۵ احادیث ۳ تا ۹.